

شما هم میتوانید

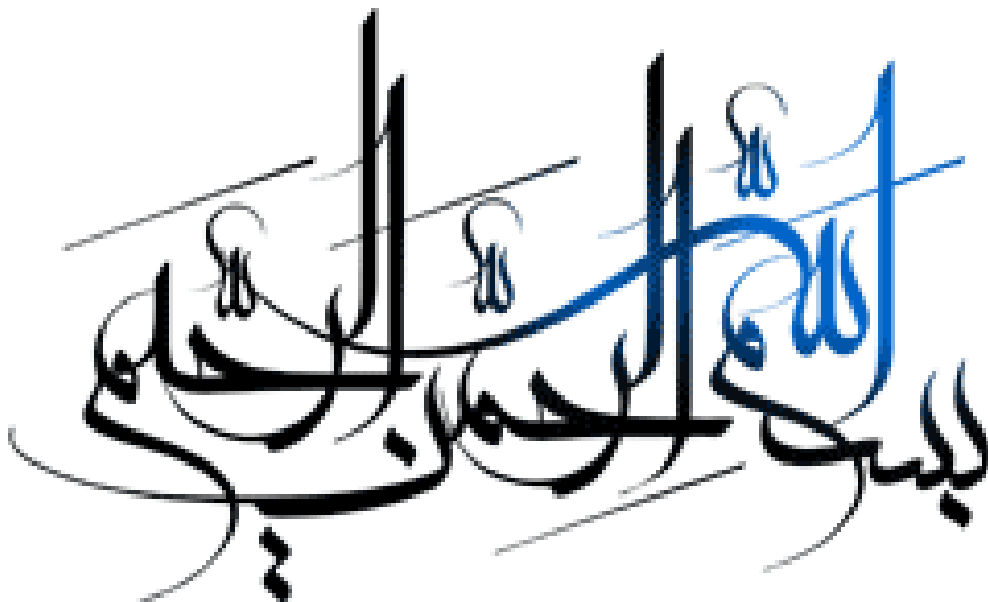
پولدار شوید!

کسب ثروت با استفاده از قوانین طبیعی و کشف راز های ذهن

نویسنده:

مهندس مرتضی الهی

- محقق و پژوهشگر قانون جذب
- سخنران انگیزشی در حوزه موفقیت و ثروت
- مربی رشد و بهبود رفتار های اجتماعی
- مدرس دوره بیزینس کوچینگ
- مدرس دوره کوچینگ شغلی
- مدرس دوره کوچینگ ثروت



- خواندن این کتاب به همه کسانی که در جستجوی موفقیت و ثروت در زندگی هستند توصیه می شود.
 - انتشار این کتاب به هر نحو و با ذکر منبع بلامانع می باشد.
 - شما می توانید این کتاب را به دوستانتان هدیه دهید.
 - شما می توانید این کتاب را برای دانلود رایگان در سایت یا وبلاگ خود قرار دهید.
 - شما می توانید این کتاب را در گروه های VIBER-WATSUP-TELEGRAM- FACEBOOK-INSTAGRAM , ...
- با همه ایرانیان به اشتراک بگذارید تا با آگاهی از این آموزشها زندگی شاد و موفقی داشته باشند.

همیشه راهی برای موفقیت و ثروت وجود دارد

فقط باید باور کنی که می شود

باور کن که یا راهی خواهی یافت

یا راهی خواهی ساخت...

- داستان زندگی من ۷
- بدترین روزها یا بهترین روزهای زندگی ۸
- آیا شما هم قبول دارید که ۱۰
- تفاوت در کجاست؟ ۱۱
- الان وقت ندارم؟! ۱۲
- راز موفقیت ۱۴
- به آنچه که داری قانع نباش! ۱۶
- اگر خداوند عادل است پس علت اختلاف طبقاتی چیست؟ ۱۹
- سنگهای جوی روزی ما ۲۲
- آیا راه چاره ای هست؟ ۲۳
- چقدر طول می کشد تا درآمد شما بیشتر شود ۲۴
- غول درونتان را به خدمت بگیرید ۲۷
- تبلی یا ضمیر ناخود آگاه ۳۱
- فر آیند ۵ مرحله ای رسیدن به ثروت ۳۴

مزرعه ذهن شما..... ۳۷

مشکل کجاست؟..... ۴۰

من به شما راه حل را نشان می دهم..... ۴۱

شغل پولساز شما..... ۴۲

تفاوت ثروتمندان و فقرا در کجاست؟..... ۴۲

اولویت های مهم در زندگی..... ۴۴

سخن آخر..... ۴۵

**آدمهای موفق همیشه برای رسیدن به اهداف و
آرزوهایشان می گردند و "راهی" پیدا می کنند.
آدمهای شکست خورده و ناموفق همیشه برای نرسیدن
به اهداف و آرزوهایشان می گردند و "بهانه ای" پیدا
می کنند.**

شما می خواهید جزو کدام دسته باشید!

داستان زندگی من

به نام خالق یکتا یگانه بی همتا، من مرتضی الهی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ در یکی از محله های قدیمی تهران متولد شدم و در یک خانواده مذهبی رشد کردم. از دوران کودکی عاشق خواندن کتاب و یادگیری علوم متافیزیکی و روانشناسی بودم. وقتی همه ی همسن و سال های من در کوچه دنبال توپ بازی بودند، من به دنبال کتابخانه می گشتم تا ثبت نام کنم و عضو شوم.

عاشق طبیعت، موسیقی، نقاشی، هنر، خوانندگی، عرفان و علوم ماوراء و متافیزیک بودم. چون خیلی به کارهای فنی علاقه داشتم وارد هنرستان شدم و در رشته مکانیک خودرو ثبت نام کردم و ادامه تحصیل دادم. بعد از گرفتن دیپلم با تلاش شبانه روزی موفق به قبولی در کنکور شدم و کاردانی مکانیک خودرو گرفتم بعد از انجام خدمت سربازی دوباره در کنکور شرکت کردم و در رشته مهندسی مکانیک گرایش حرارت و سیالات فارغ التحصیل شدم.

سالها در صنعت، ارگانهای دولتی و همچنین شرکت های خصوصی کار کردم و تقریباً هر یک سال یا دو سال یک بار کارم رو عوض می کردم و نمی توانستم یکجا بند بشم. چون دائم فکر می کردم که باید دنبال شغلی باشم که با روحیه ام جور در بیاد و از نظر روحی و معنوی هم بتونه نیازهای من رو برآورده کنه. چند باری سعی کردم استقلال مالی داشته باشم. در نتیجه کسب کاری راه انداختم ولی به شدت شکست خوردم و آسیب دیدم. هر چند من تا به حال در زندگی ام اشتباهات زیادی رو مرتکب شدم ولی شکست نخوردم. چون کسی که شکست میخوره ناامید میشه ولی من در سخت ترین شرایط مالی و روحی باز هم دلم قرص بود که اون بالا یکی هوامو داره.

به نظر من زندگی همش تجربه است! آدم هایی که معمولاً اشتباه نمی کنند، رشدی هم نمی کنند چون ریسک نمی کنند و به همین خاطر هیچ کاری هم نمی کنند!

با مطالعه زندگی افراد موفق متوجه شدم که اونها بارها و بارها برای رسیدن به موفقیت راه های مختلف رو امتحان کردن ولی نا امید نشدند. در بدترین شرایط باز هم به دنبال راه موفقیت بودم و مطمئن بودم که راهم رو با مطالعه کتاب و الگوبرداری از زندگی افراد موفق پیدامی کنم. ولی نمی فهمیدم که چرا هر چقدر کتاب میخوندم بی نتیجه بود یا حداقل کامل جواب نمی گرفتم.

بدترین روزها یا بهترین روزهای زندگی؟!

هرکسی در زندگی اش روزهای خوب و بد رو تجربه کرده، روزهای خوب خاطره میشن و روزهای بد درس عبرت و تجربه!

من یه زمانی برای گذروندن امورات زندگی ام مجبور بودم که از صبح تا شب در آژانس کار کنم و با ماشین مسافرکشی کنم، شاید با خودت بگی کار که عار نیست! حق با شماست. من هم قبول دارم چون از بچگی کارهای زیادی انجام دادم بدون اینکه بخوام خجالت بکشم، ولی برای کسی که مدرک مهندسی از یک دانشگاه معتبر داشته باشه با ۵ سال سابقه کار نه تنها عاره بلکه زجر آور و دیوانه کننده است!

نمیدونم میفهمی درد بی پولی چیه یا نه؟ آدمی که بی پولی کشیده ارزش و اهمیت پول رو در زندگی میفهمه، و گرنه شکم سیر که از شکم گرسنه خبر نداره!

روزهای خیلی سختی بود و از در و دیوار برای من و همسرم بدبختی و نکبت می بارید، اون زمان فکر می کردم که اسیر شرایط بد اقتصادی شدم و خیلی وقتها با خودم میگفتم که خدا منو فراموش کرده و هر چی داد میزد که خدایا این چه زندگی مزخرفیه که من دارم، باز هم صدامو نمی شنوه!!!

در همون مقطع بود که با قانون جذب آشنا شدم و شروع کردم به مطالعه در این زمینه؛ اوایل هیچی

نمی فهمیدم و بارها میشد که یک کتاب رو چندین بار میخوندم ولی منظور نویسنده رو نمی فهمیدم.



در این مسیر، دوستان خوبی پیدا کردم و از راهنمایی اساتید خوبی بهره‌مند شدم. شاید تقریباً بعد از گذشت یک سال به لطف خدای مهربان مسیر زندگی‌ام عوض شد و کار خوبی پیدا کردم و کم‌کم اتفاقات خوب رخ داد و درآمد و شرایط زندگی من هر روز بهتر شد.

تصمیم مهم و سرنوشت ساز

بالاخره بعد از کلی کلنجار رفتن با خودم تصمیم گرفتم که مهندسی و صنعت رو برای همیشه کنار بگذارم، چون روحیه من با کارمندی و کارهای صنعتی و محیط پیمانکاری جور در نمی اومد.

به لطف خدا و با حمایت همه جانبه همسرم تصمیم گرفتم که وارد کار آموزش بشوم. چون فهمیدم که این رسالت من در این دنیاست. شاید برای بعضی ها قابل درک نباشه ولی من احساس میکنم که یه جورایی خداوند موفقیت من رو در گرو انجام دادن رسالتی که برای من مشخص کرده قرار داده.

خداوند بنده های خودش رو با قابلیت های فراوانی آفریده ولی هر نفر یک قابلیت ویژه داره که باید اون رو شناسایی کنه و انجامش بده تا جهان رشد کنه و بهتر بشه. باید یک ادیسونی پیدا بشه و برق رو اختراع کنه؛ باید یک زکریای رازی پیدا بشه و الکل رو کشف کنه و ...

هر کدوم از ما وظیفه ای داریم که باید اون رو بفهمیم و انجامش بدیم و اون وظیفه در واقع “رسالت” ما در این دنیاست که با قرار گرفتن در اون مسیر، به رشد و کمال میرسم و هدف خلقت هم همین!

من سالها در حوزه های موفقیت کتاب میخوندم و به دوستان و آشنایانم مشاوره می دادم. با خودم گفتم چی از این بهتر که بتونم با کلامم زندگی یک نفر رو تغییر بدم البته من که کاره ای نیستم و هر چی که هست لطف خالق مهربانه که بعضی وقتها از زبان من با بنده هاش حرف میزنه و راهنمایی شون میکنه. نه اینکه من آدم خاص و مقدسی باشم! نه! من یک آدم معمولی هستم ولی عاشق خالقم هستم و مطمئنم که خالقم هم من رو عاشقانه دوست داره چون هر روز لطف و حمایتش رو در زندگی ام می بینم و احساس می کنم.

آیا شما هم قبول دارید که:

- همه مردم دوست دارند جذاب، دوست داشتنی و مورد احترام دیگران باشند!
- همه مردم دوست دارند خانواده ای شاد و فرزندانی موفق داشته باشند!
- همه مردم دوست دارند به اهداف و آرزوهایشان در زندگی دست پیدا کنند!
- همه مردم دوست دارند که هر روز پیشرفت کنند و هیچ وقت شکست نخورند!
- همه مردم دوست دارند در کار و حرفه خود موفق باشند و ثروتمندتر شوند!

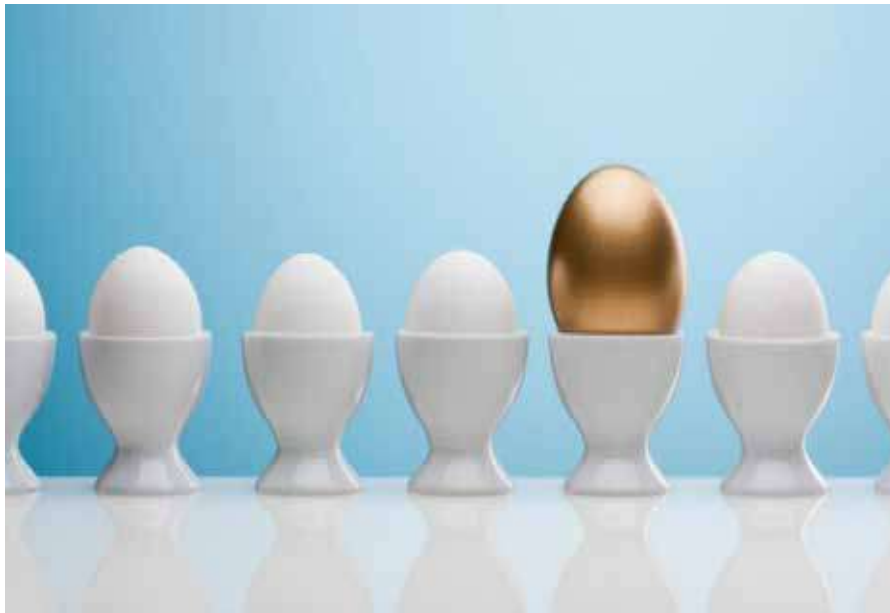
اما:

- همه مردم دوست ندارند به جای تماشای فیلم و سریال یک فیلم آموزشی نگاه کنند!

- همه مردم دوست ندارند برای یادگیری روش‌های جدید وقت صرف کنند و آموزش ببینند!
- همه مردم دوست ندارند برای خرید محصولات آموزشی و یا شرکت در دوره‌ها و کلاس‌ها هزینه کنند!

تفاوت در کجاست؟

با مطالعه و بررسی زندگی افراد موفق و ثروتمند متوجه یکسری نکات مهم و ارزشمند شدم و جالب اینجا بود که این نکات وجه اشتراک تمامی این ثروتمندان بود. در اینجا چند مورد از این موارد را با شما در میان می‌گذارم.



نکته اول:

اولین نکته مهم اینست که این افراد همیشه در حال یادگیری هستند چون اعتقاد دارند که برای رسیدن به موفقیت باید همیشه در حال یادگیری مطالب جدید بود. آنها می‌دانند که برای داشتن زندگی خوب باید تصمیمات خوب گرفت و لازمه اتخاذ تصمیمات خوب و مهم، داشتن اطلاعات خوب است.

نکته دوم:

دوم اینکه آنها میدانند که رسیدن به موفقیت و ثروت نه شانسی است و نه اتفاقی! بلکه دقیقاً مثل داشتن نقشه برای رسیدن به گنج هست. افراد موفق همیشه دنبال نقشه و راهنما هستند و دلیل موفقیت و ثروتشون هم همین هست!

متأسفانه اکثر مردم همینطور بی برنامه و بی هدف مشغول کندن زمین هستند و چون نقشه و راهنما ندارند به گنج نمی رسند و فقط خودشون رو خسته می کنند و بعد از مدتی تلاش بی ثمر، به این نتیجه می رسند که اصلاً گنجی وجود نداره!!!

ما تمام سعی و تلاشمون رو می کنیم تا با ساخت فیلم ها و محصولات آموزشی مفید و کاربردی، تجربه افراد موفق و ثروتمند رو به شما انتقال بدهیم.

شما با یادگیری این اصول و قوانین و اجرای آنها در زندگی تون می تونید به همون موفقیت و ثروتی دست پیدا کنید که آنها رسیدند. چون هر کسی که قوانین و اصول رو رعایت کند نتیجه می گیرد!!!

برای ایجاد تغییرات خوب از همین امروز تصمیم بگیرید که برای آموزش خودتان سرمایه گذاری کنید تا بتونید لذت داشتن یک زندگی خوب و عالی رو در زندگی تان احساس کنید.

یادتون باشد مهمترین سرمایه یک انسان در زندگی، “آگاهی” است. انسانها یا “عوام” هستند یا “آگاه”.

انتخاب با ماست که جزء کدام گروه باشیم.

الان وقت ندارم!؟

روزی مردی از محلی عبور می کرد و دید که یک نفر در حال اره کردن یک درخت تنومند هست. غروب در حالی که داشت به خانه برمی گشت دوباره از همان جا رد شد و با کمال تعجب دید که هنوز بریدن درخت تمام نشده، کنجکاو شد و با خودش گفت این مرد بیچاره از صبح تا حالا مشغول

بریدن این درخته! از صبح تا حالا این مرد می تونست چند تا درخت رو ببره ولی هنوز همین یکدونه درخت رو هم نبریده؟!

جلو رفت و گفت ببخشید آقا شما چیکار می کنید؟ پیرمرد با بی حوصلگی گفت برو پدر جان وقت صحبت کردن با تو رو ندارم!

مرد با تعجب پرسید آخه چرا؟! پیرمرد گفت: من هیزم شکن هستم، صبح تا شب باید درخت ببرم، هر چقدر بیشتر کار کنم بیشتر پول درمیارم، اگر با تو صحبت کنم وقتم گرفته میشه و از کارم عقب میفتم. برو و مزاحم نشو!

مرد که از این حرف هیزم شکن ناراحت شده بود خواست که بره، ولی متوجه شد که ارّه هیزم شکن کند شده و دندونه هاش خراب شده و به خاطر کند بودن ارّه، تلاش های زیاد اون بی نتیجه می مونه و در واقع داره زحمت بی نتیجه میکشه!



دوباره پیش هیزم شکن برگشت و گفت: آخرین باری که ارّه خودت رو تیز کردی کی بود؟ هیزم شکن گفت: از وقتی خریدم حوصله نکردم تیزش کنم!!! مرد گفت خوب بجای اینکه از صبح تا شب

تلاش بیهوده بکنی؛ ارّهات رو تیز کن! هیزم شکن با عصبانیت جواب داد: من به تو میگم وقت ندارم! کارم عقبه! تو میگی ارّه رو تیز کن؟!

راز موفقیت

شاید شما هم بارها و بارها این داستان رو شنیده باشید و ذهنتون پر از سؤالاتی باشه که من چطوری می‌تونم به موفقیت برسم؟ من چکاری باید انجام بدم تا مثل افراد موفق باشم؟ من چرا با این همه تلاشم موفق نمیشم؟

باید تا اینجای کار به شما تبریک گفت چون شما جزء معدود افرادی هستید که خواهان موفقیت هستید و میخواهند که خودشون خالق زندگی خودشون باشند و مثل اکثر مردم تابع شرایط بیرونی زندگیشون نیستند.

ولی کار به اینجا تموم نمیشه و شما باید از خودتون پرسید که:

- چطور الگویابی کنم؟
- چه کارهایی رو باید با تمرکز بیشتری انجام بدم؟
- برای فهمیدن این نکات چه کارهایی رو باید انجام بدم؟
- و ...

تا حالا براتون پیش اومده که از خودتون پرسید:

- افراد موفق و ثروتمند چند ساعت در هفته را صرف مطالعه و آموزش برای افزایش توانایی های خودشون می کنند؟
- افراد موفق و ثروتمند در طول روز و هنگام مسافرت، زمانی که امکان خواندن کتاب را ندارند چه

کاری انجام میدهند؟ به فایل های آموزشی صوتی گوش می دهند؟

- افراد موفق و ثروتمند به جای دیدن سریالهای بی محتوای تلویزیون وقتشان را با دیدن فیلم های آموزشی پرمی کنند؟

و در نهایت به این نتیجه خواهید رسید که اگر مهارت های شخصی خودتان را افزایش دهید در هر کار و حرفه ای می توانید جزء بهترینها و موفق ترینها باشید و این هم مستلزم صرف وقت و هزینه برای مطالعه و آموزش است.

دوست عزیز تمامی افراد موفق و ثروتمند دائماً در حال یادگیری و مطالعه و آموزش دیدن هستند. آنها می دانند که برای موفقیت باید آموزش دید، مطالعه کرد، وقت گذاشت و هزینه کرد و گرنه مثل بقیه افراد معمولی اجتماع دچار روزمرگی می شوند.

اگر می خواهید مثل افراد موفق و ثروتمند شوید باید یاد بگیرید که:

- مثل آنها فکر کنید.
- مثل آنها حرف بزنید.
- مثل آنها رفتار کنید.
- مثل آنها تصمیم بگیرید.
- از آنها الگوبرداری کنید و کارهایی را که آنها انجام می دهند شما هم انجام دهید!

به آنچه که داری قانع نباش!

از بچگی هر وقت که می‌خواستم درباره آرزوها و رؤیاهایم در جمع خانواده صحبت کنم، متهم می‌شدم به ناشکری، متهم می‌شدم به بلند پروازی، متهم می‌شدم به اینکه آدم قانع و شکرگزار نیستم. سالها با خودم کلنجار می‌رفتم و برام قابل درک نبود که چرا من نباید دنبال چیزهای خوب باشم، چرا من نباید درباره آرزوهایم صحبت کنم؟!

همیشه شنیده بودم که خداوند بنده های قانع رو خیلی دوست داره، افرادی که به همون چیزی که در زندگی شون دارند و خدا به آنها داده قانع هستند و اعتراضی نمی کنند، افرادی که هر چقدر که شرایط و اوضاع بد میشه باز اونها به همون قانع هستند و به خداوند اعتراضی نمی کنند.

من همیشه برام جای سؤال بود که چرا اگر خواسته ای بزرگتر از شرایط موجودم از خدا داشته باشم کار بدی انجام دادم و چرا خداوند باید این درخواست من رو به حساب ناشکری و ناسپاسی من بگذاره. من همیشه به خاطر این موضوع عذاب وجدان داشتم و بیشتر وقتها احساس گناه می کردم. بعد از اینکه من تحقیقات و مطالعاتم رو در زمینه ثروت و رسیدن به موفقیت های مالی شروع کردم، متوجه یکسری قوانین زمینی و یکسری قوانین آسمانی شدم.

من فهمیدم که یکی از مهم ترین خصوصیات مشترک افراد موفق و ثروتمند جهان "شکرگزار" بودن آنهاست. من متوجه شدم که اگر نسبت به داشته هام در زندگی از خالق مهربانم تشکر کنم و شکرگزار اونها باشم خداوند هر روز نعمت های بیشتری رو به زندگی من سرازیر می کنه.

حتماً شما هم شنیدید که میگویند:

"شکر نعمت، نعمت افزون کند؛ کفر، نعمت از کف بیرون کند."

قناعت یا رضایت مسأله اینست!

مشکل من اینجا بود که به خاطر آموزش های غلط دچار کج فهمی شده بودم، مشکلی که گریبانگیر خیلی از مردم هست و پیر و جوان ازش مستثنی نیستند.

متأسفانه به ما نگفتن که رضایت با قناعت فرق داره! آره دوست خوبم رضایت با قناعت از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

با یک مثال این موضوع رو براتون روشن می کنم، اگر من یک پراید داشته باشم و مدام غر بزوم و به خدا گله بکنم و بگم که آخه خدایا پراید هم شد ماشین؟! ملت بنز سوار میشن، مازراتی سوار میشن، اونموقع ما هم دلمون خوشه که ماشین داریم!!!

این طرز فکر آدمهای ناراضی و ناشکره، این طرز فکر آدمهایی با "ذهنیت فقر" هست!

دوست دارید که بدونید که آدمهایی با "الگوهای ذهنی ثروتمند" چطور فکر می کنند؟ اونها اگر یک ماشین درب و داغون هم داشته باشند هیچ وقت به خدا گله و شکایت نمی کنند. اونها همیشه یادگرفتند که در هر شرایطی یه بهونه برای تشکر از خداوند پیدا کنند، اونها یادگرفتند که همیشه به افرادی نگاه کنند که وضعیتی بدتر از اونها دارند، اونها یادگرفتند که حتی وقتی سوار یک ماشین داغون و قدیمی میشن، توجهشون به آدمهای پیاده باشه که حتی اون ماشین کهنه و داغون رو هم ندارند!

بله! آدمهایی با "ذهنیت ثروتمند" همیشه و در هر شرایطی نسبت به امکانات و داشته هاشون، هر چقدر هم که بدیهی و کوچک و کم باشه، شکرگزار خداوند هستن و از ته قلب احساس شادی و رضایت دارند. خیلی کار سختیه ولی اگر میخواهید در زندگیتون به موفقیت های بزرگ مالی دست پیدا کنید تمرین کنید که در هر شرایطی از زندگی راضی باشید و خدا رو شکر کنید.

شاید با خودتون بگید که پس قناعت چی میشه؟ دوست خوبم من به شما میگم که اگر میخوای در زندگی پیشرفت کنی و به موفقیت های بزرگ مالی دست پیدا کنی یاد بگیر که هیچ وقت قانع نباشی، چون هر کجا که به شرایط موجود قانع بشی همون جا رشد و پیشرفت متوقف میشه!

دوست خوبم "قناعت" با "رضایت" کاملاً متفاوت و این دو تا موضوع هیچ ربطی به هم ندارند! اگر کسی پراید داشته باشه و به داشتن اون پراید "قانع" باشه معلومه که هیچ انگیزه ای برای پیشرفت نمی تونه داشته باشه، من به شما میگم که اگر می خواهید در زندگیتون به موفقیت های بزرگ مالی برسید، تحت هیچ شرایطی به چیزی که دارید قانع نباشید.

تمام پیشرفت های بشر بواسطه عدم قناعتش بوده. اگر قرار بود آدمها به سوار شدن به اسب و قاطر قانع باشند که هیچ وقت ماشین اختراع نمی شد؟! اگر قرار بود آدمها به ماشین و اتومبیل قانع باشند که کسی برای ساختن هواپیما تلاشی نمی کرد!

دوست عزیز اگر تو زندگیت رفاه و یا امکاناتی داری به خاطر این هست که به امکانات و شرایط قبلیت قانع نشدی، اگر امروز مدرک لیسانس داری به خاطر این هست که چند سال پیش به داشتن دیپلم قانع نشدی. اگر امروز صاحب خونه هستی به خاطر این هست که چند سال پیش به مستأجری قانع نشدی.



باید یاد بگیریم که به اونچه که داریم "راضی" باشیم و خداوند رو شکر کنیم ولی هرگز به آنچه که داریم "قانع نباشیم" تا بتونیم هر روز پیشرفت کنیم.

اگر خداوند عادل است پس علت اختلاف طبقاتی چیست؟

تا به حال از خودتان پرسیده اید که چطور می شود که یکنفر روزی اش زیاد و شخص دیگر روزی اش کم باشد؟!

دوست خویم من هم زمانی برای هیچکدوم از این سؤالات جوابی به ذهنم نمی رسید و همیشه با این تضادها روبرو بودم، ولی از زمانی که با قوانین جهان هستی آشنا شدم جواب بیشتر پرسشهام رو پیدا کردم.

از کودکی به ما گفتن که روزی انسانها توسط خداوند مقدر شده و هر کس یک روزی ثابت و مشخصی داره، از قدیم به ما گفتن که نباید زیاد دست و پا بزنی و زور بی خود بزنی چون هیچ کس نمیتونه بیشتر از اون روزی که خدا براش مقدر کرده بدست بیاره.



من از شما یک سؤال دارم، آیا برای خداوند فرقی می‌کند که همه بنده هاش در رفاه و آسایش باشند یا همه در فقر و بدبختی؟ آیا خداوند بین بنده هاش فرق می‌گذارد و تبعیض قائل میشه؟ خداوند بر چه اساس و معیاری به بنده هاش روزی میده؟

من سالهای سال با این سؤالات زندگی کردم و هیچ وقت جواب قانع کننده ای برای اونها پیدا نکردم. ولی از وقتی که در حوزه ثروت شروع به مطالعه و تحقیق کردم، متوجه شدم که خیلی از آموزشهای پول و ثروت کاملاً با اصول مذهبی همراستاست. من جواب خیلی از ابهاماتم رو با بررسی قرآن و مطالعه کتابهای دینی بدست آوردم.

من فهمیدم که عدالت خداوند در جهان حاکمه و از اون مهمتر اینکه خداوند جهان رو براساس قوانین مشخصی اداره می‌کند نه سلیقه شخصی!

من فهمیدم که خداوند همه بندگان رو به یک اندازه دوست دارد و برای همه اونها به یک اندازه

روزی و نعمت مقدر کرده و دلیل این موضوع که یک نفر ثروتمند و یک نفر فقیر است بی عدالتی خداوند نیست!



در حقیقت هر کس به اندازه ظرف خودش از دریا آب برمی داره، ممکن است یک نفر با یک لیوان بره لب دریا، یک نفر با چند ۲۰ لیتری و در همون لحظه شخص دیگری با تانکر ۲۰/۰۰۰ لیتری در حال برداشت آب از دریا باشه.

حتماً با خودتون می گید که اگر خداوند برای همه روزی یکسان مقدر کرده پس چرا وضعیت زندگی و درآمد افراد یک جامعه متفاوت و این همه اختلاف طبقاتی وجود داره؟

جواب سؤال شما رو با یک مثال میدم. فرض کنید که خداوند روزی هر انسانی رو در یک کانال شبیه جوی آب قرار داده و این روزی دائمی و همیشگی هست. یعنی در این جوی همیشه آب جریان داره و هیچ وقت سرچشمه آب تموم نمیشه.

اتفاقی که می افته این هست که خود افراد در اثر بی توجهی با دست خودشون و بصورت کاملاً غیر عمدی از روی بی اطلاعی و ناآگاهی سنگ هایی رو به داخل این جوی آب می اندازند. و در نتیجه

وقتی این سنگها روی هم قرار می گیره مثل یک سد مانع از عبور آب میشه!

پشت این سد آب هست ولی آب کمی میتونه از لابلاي این سنگها عبور کنه و در جوی زندگی جاری بشه. امیدوارم منظورم رو متوجه شده باشید.

بله! اگر هرکدوم از ما در زندگی مقدار روزیمون کمه و از جوی آبمون آب کمی میاد، به خاطر اشتباهات خودمون هست، بسیاری از مردم ناخواسته از سنين کودکی شروع کردند به انداختن سنگ در جوی آب و با دست خودشون مسیر آب رو بستند و زندگی محدود و کم درآمدی دارند، اونها هر چقدر هم که تلاش می کنند نمی تونن بفهمند که اگر آب در جوی زندگيشون کمه به خاطر خداوند نیست، بلکه به خاطر اشتباهات خودشونه!

سنگهای جوی روزی ما

حتماً براتون این سؤال پیش اومده که اون سنگها که در جوی روزی ما می افته چی چیزی هایی هست؟ شاید فکر کنید منظور من از اشتباهات افراد گناه کردن باشه، اشتباهاتی که خداوند رو ناراحت می کنه. اما باید به شما بگم که رحمت خالق مهربان ما خیلی بیشتر از این تصورات محدود در ذهن کوچک ماست! خداوند رحمان تا روز قیامت هیچ انسانی رو بازخواست و توبیخ نمی کنه.

درسته که هرکس به واسطه قوانین قدرتمند حاکم بر جهان، نتیجه رفتار و کردارش رو دریافت می کنه، اما هیچ وقت خداوند به خاطر گناهان و یا اشتباهات یک انسان، روزی اون رو کم و یا قطع نمیکنه.

تمام کمبودی که بعضی از آدمها در زندگيشون احساس می کنند فقط به خاطر باورهای محدود کننده خودشون هست و نه هیچ عامل خارجی دیگری. در حقیقت سنگ های جوی زندگی ما ناشی از همین باورها و الگوهای ذهنی محدودکننده ای هست که خودمون ندانسته و ناخواسته اونها رو به

داخل جوی آب رزق و روزی مون انداختیم و راه آب رو مسدود کردیم.

آیا راه چاره ای هست؟

خوشبختانه اگر وقت بگذاریم و اون سنگها رو شناسایی کنیم و اونها رو از جلوی مسیر آب برداریم، آب (رزق و روزی) با شدت تمام در جوی زندگیمون جریان پیدا می کنه. شما هر سنگی رو که جابجا می کنید حجم بیشتری از آب داخل جوی براه می افته.

گفتیم که سنگهای مسدود کننده مسیر روزی ما در حقیقت همون "باورها و الگوهای محدود کننده" است.

شناسایی این الگوهای ذهنی مخرب کار راحتی نیست، چون داخل ذهن و فکر ما پر شده از هزاران باور و الگوی ذهنی و تشخیص خوب و یا بد بودن هر کدوم از اونها کار ساده و راحتی نیست.

تمام تلاش من در دوره آموزشی "کوچینگ ثروت" این هست که با ارائه راهکارها و تکنیک هایی و به کمک خود فرد این باورهای نادرست رو شناسایی بشود. وقتی که باورهای اشتباه "ضد ثروت" شناسایی شد وارد مرحله بعد خواهیم شد.

شکستن سنگها

خیلی ها فکر می کنند که وقتی که سنگهای افتاده در مسیر جوی رزق و روزی خودشون رو شناسایی کردند دیگه کار تمومه و به راحتی اونها رو از مسیر بر میدارند و راه آب رو باز می کنند.

نکته مهم اینجاست که این سنگها از روز اول به این بزرگی نبوده اند و در اثر گذشت زمان اونها هر روز بزرگتر و بزرگتر شدند و کار به جایی رسیده که هر روز دارند مسیر آب رو بیشتر می بندند.

من همیشه در کلاسها و دوره هام به افراد شرکت کننده این نکته رو می گم که شناسایی "الگوهای

ذهنی فقر " فقط قسمتی از راهه و اگر کسی میخواد که از شر این "الگو های ذهنی مخرب" خلاص بشه باید وقت بگذاره و تمرین انجام بده و اگر کسی فرصت انجام تمرین ها رو نداشته باشه نباید توقع کنه که این سنگها خود بخود از بین بروند!



خبر خوب این هست که وقتی شما متوجه این سنگها میشید و شروع می کنید به انجام تمرینات، در حقیقت مثل این هست که یک چکش دستتون گرفتید و دارید با اون به این سنگها می کوبید! درسته که با یک ضربه و دو ضربه اون سنگ نمیشکنه، اما اگر پشتکار داشته باشید و این کار رو ادامه بدید هر روز گوشه هایی از سنگ ترک می خورد و سنگ کوچک و کوچک تر می شود.

چقدر طول می کشد تا در آمد شما بیشتر شود؟

گفتم که اگر شما وقت بگذارید و سنگهای مسیر جوی آب روزی تون رو شناسایی کنید و با پشتکار متعهد به انجام تمرینات باشید اون سنگها هر روز کوچک و کوچک تر می شوند. در حقیقت هر

چقدر بیشتر چکش بزنید سنگها کوچکتر می شوند و از کناره‌ها خرد می شوند. و هر چقدر که این سنگها کوچکتر بشوند آب بیشتری میتونه از بینشون عبور کنه. در اصل اینطور میشه گفت که شما هر چقدر بیشتر برای اینکار وقت بگذارید زودتر به نتیجه می رسید.

روند ثروت یک روند کاملاً تکاملی هست و اینکه بعضی ها مدعی رسیدن به

ثروت‌های سریع هستند متأسفانه دروغی بیش نیست!

و همیشه زیادند افرادی که از روش های آموزشی من خوششون نمیاد و ترجیح میدن برونند سراغ کسانی که به اونها وعده ثروت میلیاردی در مدت یکسال رو میدهند!

بعضی وقتها حقیقت مثل یک داروی تلخ هست که علیرغم تلخی، اگر اون رو بپذیریم میتونه به بهبود شرایط و اوضاع ما کمک زیادی بکنه.



دوست خوبم! وضعیت فعلی مالی شما نتیجه طرز فکرها و عادت های فکری چندین ساله شماست. بطور متوسط هر الگوی ذهنی ظرف مدت حداقل ۱۰ سال ساخته میشه و در ذهن ما شکل میگیره.

همین الان عدد سنت رو تقسیم بر ۱۰ کن، عددی که بدست می آید نشون دهنده فاصله زمانی شما با شرایط جدید و دلخواهتون هست. پس اگر شما ۳۰ سال سن دارید باید حداقل ۳ سال برای از بین بردن "الگوهای مخرب ضد ثروت" که در ذهن شماست وقت بگذارید.

شما باید وقت بگذاری و روی عادت های فکری و ذهنی ات کار کنی و "عادت های فکری فقر" رو دور بریزی و به جای اونها "عادتهای فکری ثروت" رو جایگزین کنی.

معنی حرفم این نیست که اگر از همین امروز شما وارد این مسیر بشی و انجام دادن تمرینات رو شروع کنی تا ۳ سال دیگه هیچ اتفاقی نمی افته! بلکه دقیقاً از روزی که شما چکش زدن به سنگهای جوی آب زندگیتون رو شروع کنید، هر روز این سنگها کوچکتر می شوند و وضعیت مالی شما هم بهتر خواهد شد!

فرایند رسیدن به ثروت یک فرایند کاملاً تکاملی است. بطور مثال وقتی یک نوزاد متولد می شود، رشد او در چند روز اول نامحسوس است و شاید روزانه کمتر از یک میلیمتر رشد کند. اما این رشد کم و ناچیز به معنی این نیست که تغییری نکرده و اصلاً بزرگ نشده، بلکه همین رشد کم و ناچیز روزانه، بعد از چند ماه و چند سال کاملاً چشمگیر می شود و جلب توجه می کند.

اینکه شما کی به استقلال مالی می رسید و چه زمانی درآمدتون به حد دلخواهتون میرسه، باید بگم که این یک قاعده کلی است که زمان مشخصی برای آن وجود ندارد. چون ممکنه بعضی ها دیرتر و بعضی از افراد هم زودتر از این زمان به موفقیت های بزرگ مالی دست پیدا کنند. ملاک، خود شما هستید و فقط بستگی به یادگیری و انجام تمرین ها از طرف شما داره. باید تک تک تکنیک هایی که

در این دوره یاد می گیرید رو در زندگی شخصی تون بکار ببرید و تا زمانی که این کار رو انجام ندید حتی دونستن بهترین مطالب آموزشی دنیا هم برای شما فاقد ارزش و بی تأثیر هست.

البته باید بگم که شما در همون هفته های اول متوجه تغییراتی در اوضاع و شرایط زندگی تون می شوید که اگر به این نشانه های مثبت توجه کنید هر روز بیشتر می شوند. ممکنه که از اولین ماه شروع دوره، در آمد شما افزایش پیدا کنه، چون دقیقاً کار من در این دوره این هست که موانع و سنگ هایی که جلوی چرخ ماشین زندگی شماست رو بهتون نشون بدم و شما خودتون با برداشتن هرکدوم از این موانع خواهید دید که یک تغییر جدید در اوضاع مالی تون بوجود میاد.

من نمیدونم که در آمد ماهیانه شما یک میلیون تومان است یا پنجاه میلیون تومان، ولی مطمئن هستم که اگر در آمد شما به اندازه ثروتمندانی چون بیل گیتس، وارن بافت، اسدا... عسگر اولادی و خیلی از افراد دیگر نیست، پس هنوز سنگهای زیادی در مسیر جوی آب روزیتون قرار داره که اگر وقت بگذارید و اونها رو برطرف کنید در آمد شما هم میتونه به اندازه اون افراد زیاد بشه، فراموش نکنید که خداوند بین بندگانش هیچ تبعیضی قائل نمیشه، اگر مشکلی هست به خاطر خود ماست و گرنه سرچشمه همیشه پر از آب هست.

غول درونتان را به خدمت بگیرید!

خیلی وقتها ما آدمها فکر می کنیم که اگر کسی به موفقیت و ثروت رسیده حتماً توانایی ها و استعداد های ویژه ای داشته من در دوره " کوچینگ ثروت " مفصل راجع به این موضوع حرف زدم و ثابت کردم که خداوند همه انسانها رو با شرایط و توانایی های یکسان آفریده. قرار نیست که همه یک مدل توانایی داشته باشند، نکته مهم اینجاست که هرکس باید خودش استعدادها و توانایی های منحصر به

فرد خودش رو کشف کنه و برای رشد و شکوفا کردن اونها وقت بگذاره وبا این کار به رشد و پیشرفت جهان کمک کنه. متأسفانه خیلی از ما آدم ها توانایی ها و قابلیت های خودمون رو دست کم میگیریم و همیشه به ساده ترین راه و پیش پا افتاده ترین ها اکتفا می کنیم.



اکثر مردم اصلا از قدرتهای ذهنی شون آگاهی ندارند و از مغزشون به بدترین شکل ممکن استفاده میکنند. دقیقا مثل اینکه از یک ماشین تند رو و مسابقه ای بخواهی برای شخم زدن زمین استفاده کنی!

خداوند در مغز انسانها مکانیزیمی قرار داده تحت عنوان "ضمیر ناخودآگاه"؛ خوب شاید تا حالا اسم ضمیر ناخودآگاه به گوشتون نخورده باشه و براتون نامفهوم باشه، من سعی میکنم براتون به شکل کاملاً ساده و قابل فهم توضیح بدم.

بینید دوستان، بدن ما برای حفاظت از جسم یک مرکز فرماندهی داره به نام مغز. مغز جایگاه قرار گیری "ضمیر خودآگاه" و "ضمیر ناخودآگاه" هست. که هرکدوم از این ضمیرها کار کرد و

وظایفی دارند. ساده تر اینکه اگر مغز رو به یک کامپیوتر تشبیه کنیم، ضمیر خودآگاه و ضمیر ناخودآگاه مانند سیستم عامل اون هستند. شما میدونید که هیچ کامپیوتری رو نمیشه بدون داشتن سیستم عامل استفاده و بهره برداری کرد.

کار و وظیفه ضمیر خود آگاه : فکر کردن، صحبت کردن، تصمیم گیری، برنامه ریزی کردن و تمامی کارهایی است که ما بصورت "ارادی" و "آگاهانه" انجام میدیم که هنگام خواب ضمیر خودآگاه هم خاموش میشه و دیگه فعالیتی نداره.

اما "ضمیر ناخود آگاه"، وظیفه کنترل تنفس، ضربان قلب، ترمیم زخم های بدن، پیگیری درمان بیماری های جسمی، عکس العمل های سریع هنگام خطر، حفاظت از ما و مراقبت از ما درمقابل خطرات و حوادث و هزاران فعالیت دیگر رو بر عهده داره.

"ضمیر ناخود آگاه" را میتوان به غول درون تشبیه کرد، غولی که اگر بتوانید آنرا به خدمت بگیرید برای شما کارهای فوق العاده بزرگی انجام می دهد، غولی که توانایی های آن ورای تصورات شماست؛ غولی که اگر بتوانید با او دوست شوید و ارتباط برقرار کنید به شما کمک می کنه تا موفق و ثروتمند بشید.

دوستان خداوند این نیروی عظیم رو در وجود تک تک انسانها قرار داده، ولی متأسفانه عده کمی میتونند از این قدرت فوق العاده درست استفاده کنند، نکته مهم اینجاست که همه ما در حال کمک گرفتن از "غول درون" هستیم ولی بر علیه خودمون!

شاید تعجب کنید ولی واقعیت اینجاست که اگر شما خوراک فکری خوبی برای ضمیر ناخودآگاهتون فراهم نکنید، نباید توقع کمک های مفیدی از طرف اون داشته باشید.



این غول زمانی میتونه به یاری شما بیاد و آرزو های شما رو برآورده کنه که شما یاد بگیرید که چطور "آگاهانه" با اون ارتباط برقرار کنید و همه اینها مستلزم این هست که شما اول از همه با اون آشنا بشید، اونو بشناسید و روشهای ارتباط با اون رو یاد بگیرید.

من در دوره "کوچینگ ثروت" مفصل درباره ضمیر ناخود آگاه و قدرتهای اون و روشهای ارتباط با اون صحبت کردم. اینجا میخوام چند مورد از اونها رو به شما هم آموزش بدم.

تکنیکهایی برای ریزی مجدد ضمیر ناخود آگاه:

- یکی از بهترین تکنیک هایی که میتونید با استفاده از اون ضمیر ناخود آگاه خودتون رو برنامه ریزی کنید، این هست که شما سعی کنید تصویری از لحظه رسیدن به خواسته ها و اهدافتون در ذهنتون مجسم کنید و سعی کنید بارها و بارها اون رو در ذهنتون با چشمان باز یا بسته ببینید و با این کار در حقیقت پیام خودتون رو به ضمیر ناخود آگاهتون اعلام می کنید.

فراموش نکنید که :

شما این قدرت رو دارید که افکار خودتون رو انتخاب کنید.

- یکی از نکات مهم دیگر اینست که همیشه با دیگران و حتی با خودتون مثبت حرف بزنید، هیچ وقت نباید به خودتون بگید که من شکست می خورم و یا توانایی انجام این کار رو ندارم چون ضمیر ناخودآگاه شما خیلی سریع اون رو باور میکنه و به عنوان یک حقیقت می پذیره.

باید به ضمیر ناخودآگاه خودتون آموزش بدید که فقط به موفقیت، شادی، سلامتی و ثروت فکر کنه. دوستان شما با استفاده از قدرتهای ضمیر ناخودآگاه خودتون می تونید موفقیت، ثروت، شغل مناسب، خونه زیبا، ماشین دلخواه و هر چیز دیگه ای رو که فکرش رو بکنید به زندگی خودتون وارد کنید.

فراموش نکنید که همه ما با قدرت ها و نیروهای خاصی که در ضمیر ناخودآگاه مون وجود داره، پا به این دنیا می گذاریم. فقط باید یاد بگیریم که چطور تا بیشترین حد از اون به نفع خودمون استفاده کنیم.

تنبلی یا ضمیر ناخودآگاه

شاید حتماً براتون پیش اومده که رفتید و در یک کلاس آموزشی ثبت نام کردید. مثلاً کلاس ورزشی ثبت نام کردید تا لاغر بشید یا مثلاً دوره آموزش موسیقی یا اینکه یک کفش کوهنوردی و وسایل خریدید و تصمیم گرفتید که هر هفته برید کوهنودی و بعد از چند هفته مشکلات و اتفاقاتی

افتاده که دیگه نتونستید برید کوهنوردی و یا اینکه اون دوره یا کلاس رو ادامه بدید.

یه نگاه به قفسه کتاب هاتون بندازید، ببینید چند تا کتاب خریدید که تا حالا فرصت نکردید مطالعهشون کنید.

شاید با خودتون بگید که فرصت نکردم، یا اینکه تنبلی کردم، یا اینکه فعلاً سرم شلوغه و به محض اینکه کارم سبکتر بشه وقت میگذارم و کارهای نیمه تموم رو انجام میدم. ممکنه بگید که باید دیگه تنبلی رو کنار بگذارم و یک تصمیم جدی بگیرم و ...



دوست خوبم این مسایل هیچ ربطی به تنبلی و گرفتاری و مشغله و نداشتن وقت و هزار و یک جور اتفاق یا بهونه دیگه نداره!

پس علت کجاست؟

جواب شما فقط یک کلمه هست "ضمیر ناخود آگاه"

بله درست شنیدید ضمیر ناخود آگاه با هزار و یک ترفند و وبا بوجود آوردن مشکلات و مشغله هایی در درون و بیرون شما تمام تلاشش رو میکنه تا مانع از این بشه که شما تغییر ایجاد کنید و بخواهید

مسیر رو عوض کنید.

یکی از مهمترین نکاتی که حتماً باید به اون توجه کنید این هست که "ضمیر ناخودآگاه" شما برای نگه داشتن شما در وضعیت امن موجود هر کاری که بتونه انجام میده. اجازه بدید براتون یک مثال بزنم تا مطلب براتون روشنتر بشه.

دیدید وقتی که پرورش دهنده های اسب وقتی که میخوان برای اولین بار روی اسب زین بزارن و بهش افسار بزنند چقدر دردرس دارند!



میدونید چرا اسب سرکشی می کنه و اجازه نمیده که بهش افسار بزنند و روش زین بگذارند؟ به خاطر اینکه فکر می کنه که میخوان آزادیش رو بگیرند و اذیتش کنند. برای همین مقاومت میکنه و به آسونی اجازه نمیده که بهش افسار بزنند. سعی می کنه فرار کنه، سعی میکنه با وحشی بازی و هزار و یک ترفند دیگه مانع از اینکار بشه.

دوست خوبم! دقیقاً ضمیر ناخودآگاه هم همینطور، ضمیر ناخود آگاه درسته که کارش مراقبت و حفاظت از ماست ولی تا به امروز ناخودآگاه ما تنها بوده و از نزدیک شدن ما میترسه و اینکه شما بخواهید شرایط رو عوض کنید چون نمیدونه بعدش چی میشه.

پس توقع نداشته باشید که براحتی اجازه بده که شما شرایط رو عوض کنید و اطلاعات جدید و ارد ذهنتون کنید و دست به کارهای جدید بزنید.

فرآیند ۵ مرحله ای رسیدن به ثروت

به نظر من پروسه رسیدن به ثروت پنج مرحله داره :



مرحله اول :

خواستن و آرزو کردن

خواستن و آرزو کردن داشتن ثروت زیاد و رسیدن به استقلال مالی.

تقریباً ۹۹.۹ درصد انسانهای روی کره زمین این مرحله رو با موفقیت پشت سر می گذارند!

مرحله دوم:

جستجو برای بدست آوردن اطلاعات مفید

جستجو برای بدست آوردن اطلاعات مفید و وقت گذاشتن برای مطالعه و یادگیری اون مطالب بدرد بخور. که شاید کمتر از ۳۰ درصد مردم حاضر به انجام اون باشند، چون بیشتر مردم ترجیح میدن که بجای وقت گذاشتن برای یادگیری، وقتشون رو با دیدن تلویزیون، فیلم، رفتن به مهمانی و گردش و تفریح و ... بگذرونند!

متأسفانه خیلی از مردم ترجیح میدن بجای خریدن یک کتاب با اون پول چندتا بسته چیپس و پفک یا بستنی و ... بخرند و به همین خاطره که خیلی از مردم پولدار و ثروتمند نیستند!

مرحله سوم:

فهمیدن و درک کامل اطلاعات

فهمیدن و درک کامل اون اطلاعات مفید و کاربردی. کم نیستند افرادی که مرحله دوم رو هم پشت سر می گذارند ولی هنوز نتوستن از چیزهایی که از کتابها و مقالات خوندن استفاده کنند و در زندگیشون اون اصول رو پیاده کنند. معمولاً بیشتر افرادی که در جستجوی موفقیت هستن در این مرحله گیر می کنند و درجا می زنند.

من خودم از بچگی عاشق کتاب خوندن بودم ولی هر چقدر بیشتر کتاب میخوندم نتیجه ای نمی گرفتم. وقتی میدیدم که هیچکدوم از این چیزهایی رو که در کتابها یاد گرفتم کاربردی نیستند یا شاید هم برای شرایط من کاربردی نبودن، دچار افسردگی و سرخوردگی میشدم و چند ماهی دپرس بودم

و دوباره چند ماه بعد با ذوق و شوق یک کتاب جدید می‌گرفتم و دوباره ...

گذر کردن از مرحله سوم نیاز به راهنما و مربی داره تا ابهامات مون رو برطرف کنه، تا مطلب رو برامون قابل فهم و قابل درک کنه، اگه قرار بود که با خواندن کتاب همه بتونن مطالب رو هضم کنند که پس دیگه نیازی به این همه مدرسه و دانشگاه و کلاس درس نبود! هرکس میخواست پزشک یا مهندس یا ... بشه میرفت و کتابهای مرتبط رو میخرید و میخوند و دیگه کار تموم بود؟! لزوم و اهمیت نقش معلم و استاد و مربی همین جا معلوم میشه!

مرحله چهارم:

تغییر عادت های قبلی

تغییر دادن عادت های قبلی و جایگزین کردن عاداتهای جدید خیلی مهمه. دوستن، فهمیدن و درک مطالب مهم و نکات کلیدی تا زمانی که در زندگی روزمره پیاده سازی نشن و ازشون استفاده نکنیم هیچ فایده و ارزشی نداره! مثل این هست که شما بهترین نرم افزارها رو روی کامپیوتر و لپتاپتون نصب کنید و سال تا سال ازشون استفاده نکنید و فقط یه گوشه از هاردتون رو اشغال کرده باشن.

شاید بشه گفت سخت ترین مرحله همین باشه چون خیلی از آدمها حاضرند بمیرند ولی تغییر نکنند! چون تغییر کردن سخته، چون عوض کردن عاداتها راحت نیست و به همین خاطره که گفتن ترک عادت موجب مرضه!

اما نگران نباشید من در این دوره برای شما تمریناتی رو آماده کردم که بعد از دیدن هر جلسه باید انجام بدین تا تغییر براتون راحت بشه. این تغییر آروم آروم انجام میشه و علت اینکه توصیه میشه جلسات رو به صورت هفتگی برای خودتون برگزار کنید همین موضوع است. چون تغییر اصولی نیاز

به زمان داره. یه شاخه درخت رو اگه یکدفعه بخواهید صافش کنید میشکته و از بین میره ولی اگر همون شاخه رو با طناب به یک ستون ببندید بعد از گذشت چند ماه بدون هیچ آسیبی به درخت، شاخه کج صاف میشه!

مرحله پنجم:

استقامت و پشتکار

داشتن استقامت و پشتکار و حفظ روحیه تا کسب موفقیت یه عامل اساسی است. اگر کسی بتونه مرحله چهارم رو با موفقیت پشت سر بگذاره، خود بخود بدون هیچ فشار بیرونی خودش به راحتی وارد این مرحله میشه. خیلی مهمه که استقامت داشته باشید. یادتون باشه که خداوند جهانی رو که ما توش زندگی میکنیم رو براساس قوانین طبیعی اداره می کنه.

پس اگر چیزی در زمین کاشتید باید صبر و تحمل داشته باشید تا سبز بشه و جوونه بزنه، بعد باید ازش مراقبت کنید؛ بهش آب بدید کود بدید و بعد از چند وقت محصولتون رو با لذت و شادی برداشت کنید!

متأسفانه خیلی از مردم این واقعیت رو دوست ندارند. اونها دوست دارند که یک نفر بهشون لویای سحر آمیز بده و اینها شب بکارند و فردا صبح برن و محصولش رو برداشت کنند.



خیلی زیبا و رؤیائیة !!! ولی متأسفانه خیلی از افراد سودجو با استفاده از همین توهم "ثروت سریع" سالهاست که دارند از مردم ساده لوح و عوام کلاهبرداری می کنند و این داستان هنوز هم ادامه داره ...

مزرعه ذهن شما

یکی از تکراری ترین سؤالاتی که مراجعین در جلسات مشاوره از من می پرسن این هست که آقای الهی به نظر شما من چه کاری انجام بدم تا درآمدم بیشتر بشه؟ بعد من میگم یعنی چی منظورتون رو نمی فهمم! بعد ادامه میدند و میگند که به نظر شما من سراغ چه شغلی برم یا چه کاری انجام بدم که بتونم موفق بشم و ثروتمند بشم؟

همه افراد دنبال نقشه گنج می گردند، همه دنبال این هستند که من به جای اونها تصمیم بگیرم و فکر می کنند که راهنمایی من حتماً میتونه براشون کارساز باشه!

دوست خوبم نمی دونم تا حالا کشاورزی کردی یا نه؟ خیلی از کشاورزها هر سال در حال عوض کردن نوع محصولشون هستند به امید اینکه شاید سال بعد کارشون بگیره و پولدار بشن! میدونید چرا؟ چون فکر می کنند که اگر سال بعد بجای گندم، ذرت بکارند حتماً پولدار میشن .



متأسفانه سال بعد هم محصول کمی برداشت می کنند و نا امیدانه تصمیم میگیرند که هندوانه بکارند، سال بعد هندوانه می کارند و محصولشون آفت می زنه و با خودشون فکر می کنند که بدشانسی آوردند.

اونها نگاه می کنند به همکارشون و می بینند که اون وضع مالیش خوبه و اونها هم تصمیم میگیرند که مثل اون برن در کار علوفه و یونجه و بعد بازهم روز از نو و روزی از نو!!!

و این داستان چه بسا متأسفانه تا آخر عمرشون ادامه داره. دوست خوبم این حکایت زندگی خیلی از ما آدمهاست، که داریم راه رو اشتباه میریم و سالهاست که سرگردونیم.

خیلی از افراد سالها تلاش می کنند و زحمت می کشند و به هر دری که می زنند نمیشه، بعد از یک مدت به این نتیجه می رسند که آدم های بدشانسی هستند و وقتی این داستان های تلخ و شکست ها ادامه پیدا می کنه شروع می کنند به غر زدن و آه و ناله کردن و تصمیم می گیرند با خدا قهر کنند، می پرسید چرا؟!

آخه اونها می گن اگه خدا هست پس چرا کمکشون نمی کنه؟! اگر خدا هست پس چرا اونها رو دوست نداره؟! اگه خدا دوستشون داره پس چرا هر چقدر که تلاش می کنند و زور می زنند در حال درجا زدن هستند.

دوست خوبم من هم زمانی همین طوری فکر می کردم، واقعا که باید از فقر به خود خدا پناه برد، چون همه چیز آدم رو میگیره، وجدان، اخلاق، دین و ایمان، سلامتی، انسانیت، معرفت، ادب، شرافت و ...

حضرت علی (ع) می فرمایند:
الفقر موت الاکبر
یعنی فقر مرگ بزرگ است. (نهج البلاغه)

مشکل کجاست؟

دوست خوبم این سؤال بهترین سؤالی هست که هرکس میتونه از خودش بپرسه! به نظر من این مهمترین سؤالی هست که هرکس که میخواهد موفق و ثروتمند بشه باید از خودش بپرسه.

میدونید چرا خیلی از مردم ثروتمند نیستند؟ چون اونها هیچ وقت در زندگیشون حاضر نشدند دنبال جواب این سؤال بگردند، فقط آدم های کمی به دنبال جواب این سؤال می گردند و به همین خاطر آدم های کمی موفق و ثروتمند می شوند.

دوست خوبم بسیاری از ما از بچگی یاد گرفتیم که همیشه برای اشتباهات و مشکلاتمون دنبال مقصر بگردیم! و دقیقاً بدبختی آدمها از زمانی شروع میشه که خودشون رو می کشن کنار و دیگران رو عامل بدبختی و مشکلاتشون می دونند.

دوست خوبم! شاید از حرف من ناراحت بشی، ولی باور کن بر اساس "قانون جذب" هیچ اتفاق و رخدادی در این جهان اتفاقی و شانسی نیست.

دوست خوبم در جهانی که ما داریم در اون زندگی می کنیم همه چیز حساب و کتاب داره، همه چیز نظم داره، همه چیز دقیقه.

ما عادت کردیم که همیشه پدر و مادر، همسر، فرزندان، معلم، استاد، کارمند، رئیس، دولت، جامعه و ... رو مقصر بدونیم. خلاصه همه مقصرند غیر از ما، میدونید چرا؟! چون آدمها دوست دارند همیشه ناخواسته نقش قربانی رو بازی کنند و مظلوم نمایی کنند. میدونید چرا چون قبول مسئولیت کردن سخته و درد داره.

ولی صد افسوس که خیلی از مردم به خاطر همین طرز فکر و عقیده سالهاست که دارند درجا می زنند. دوست خوبم شرط اول تغییر در زندگی قبول مسئولیت و پذیرفتن اشتباهاته.

من به شما راه حل را نشان می دهم

برگردیم به مزرعه و کشاورز بدشانس خودمون. دوست گلم من چند سالی به خاطر علاقه وارد کارهای کشاورزی شدم و مطالعاتی نیز داشتم و تجربیات تلخ و شیرینی هم بدست آوردم.

نمیدونم شما فهمیدید که ایراد کار اون کشاورز کجاست یا نه؟ به نظر شما کشاورز ما باید چه چیزی بکاره تا عالی محصول بده و فروشش عالی بشه و حسابی پولدار بشه؟

شاید از جواب من تعجب کنید، ولی واقعیت اینه که اون کشاورز باید ریشه مشکلاتش رو پیدا کنه و تا زمانی که مشکل رو ریشه ای حل نکنه فقط داره وقتش رو تلف می کنه.

دوستان تا زمانی که شما از خاک مزرعتون نمونه برداری نکنید و اونو به آزمایشگاه ندید، ریشه مشکلات پیدا نمی شه.

وقتی که از چند قسمت خاک مزرعه نمونه برداری میشه و به آزمایشگاه فرستاده میشه، بعد از چند وقت آزمایشگاه یک برگه آنالیز به شما میده که شما ازش هیچی سردر نم یارید، حالا وقتشه که اون برگه رو ببرید پیش یک مهندس کشاورزی و متخصص.



وقتی که اون متخصص برگه آنالیز رو نگاه میکنه شروع میکنه برای خاک مزرعه شما نسخه نوشتن، بله ممکنه که به خاطر بالا بودن EC آب خاک مزرعتون تنظیم PHش بهم خورده باشه! ممکنه که خاک مزرعه شما فاقد مواد معدنی مورد نیاز رشد گیاه باشه! ممکنه که خاک مزرعه شما آلوده به

یک باکتری یا قارچ یا انگل باشد که باعث میشه که محصولات شما افت بزنه و آسیب ببینن و زحماتون به باد بره. اون متخصص برای تقویت خاک مزرعه شما شاید نیاز ببینه که به شما کود کلات آهن توصیه کنه، ممکنه که لازم باشه تا شما به مزرعتون فسفات بدید یا اوره لازم باشه.....

شغل پولساز شما

دوست خوبم مهم نیست که شما مشغول چه کاری هستی و داری کجا کار می کنی! باور کن که برای نمونه برداری از خاک ذهنت باید وقت بگذاری و مطمئن باش تا زمانی که مشکلات خاک ذهنت رو بر طرف نکنی و اون رو تقویت نکنی فقط در حال خسته کردن خودتی و هیچ وقت مزرعه ذهنت محصول بدرد بخوری نمیده.

تفاوت ثروتمندان و فقرا در کجاست؟

شاید با خودتون بگید که آدم های ثروتمند و پولدار آدم های خوش شانسی هستند و یا اینکه اونها توانایی های ویژه و خاصی دارند. من در دوره "کوچینگ ثروت" به شما ثابت می کنم که اینطور نیست، من همیشه در دوره ها با مخالفت شرکت کننده ها در این زمینه مواجه میشم ولی وقتی که براشون توضیح میدم و دلیل میارم و مثال میزنم قانع میشن و حرفهای من رو می پذیرند.



دوست خوبم تفاوت ثروتمندان با آدم های معمولی و فقیر تنها در نوع نگاهشون به زندگی و طرز تفکرشونه.

اونها به خاطر تصمیمات درستی که تونستند در مراحل مختلف زندگی بگیرند و به واسطه ایده هایی که به ذهنشون رسیده به ثروت رسیدند.

من همیشه به شرکت کننده های دوره کوچینگ ثروت می گم که اگر میخواهید شما هم ثروتمند بشید، راه های زیادی و جود داره ولی من توصیه می کنم که شما اگر میخواهید که سریع و با دردسر کمتری به ثروت و پول برسید یاد بگیرید که از روی "طرز فکر" و "باورهای ذهنی" ثروتمندان الگو برداری کنید.

در حقیقت کار من در دوره "کوچینگ ثروت" این هست که به شرکت کننده ها آدرس میدم که بروند و از قسمت های مختلف خاک مزرعه ذهنشون نمونه برداری کنند. بعد یکی یکی با هم دیگه بررسی می کنیم که ببینیم مشکل و ضعف کار کجاست.

بعدش ما میریم سراغ نمونه های گرفته شده! بله دوست خوبم، اگر شما هم یاد بگیری که مثل یک ثروتمند فکر کنی و بتونی مثل اون فکر کنی و تصمیم بگیری، اونوقت شما هم در زندگی ات همون نتایج مالی رو بدست میاری که اون بدست آورده و این اصلاً چیز عجیبی نیست. میدونی چرا؟ چون تمام اتفاقات این جهان بر اساس حساب و کتاب و قوانین ثابت است.

بین دوست گلم، اگر یک نفر در امریکا از فرمول ریاضی استفاده کنه و ۲ رو با ۲ جمع کنه به جواب ۴ میرسه. حالا اگر یک ژاپنی هم ۲ رو با ۲ جمع کنه یک اتفاق جالب می افته و اون اینه که حتی در ژاپن هم نتیجه این قانون ریاضی میشه ۴ و از اون جالبتر اینکه حتی در روستاهای دور افتاده افریقا و آنگولا هم اگر کسی از این قانون ریاضی استفاده کنه باز به همون جواب ۴ میرسه!

من بسیاری از همین قوانین و اصول اثبات شده "ثروت" رو پیدا کردم. من اونها رو از زندگی ثروتمندان بیرون کشیدم و جزء سرفصل های اصلی دوره "کوچینگ ثروت" هست و من هیچ ناگفته ای رو باقی نمیگذارم چون تمامی افرادی که در دوره های من شرکت می کنند باید نتیجه بگیرند و موفق بشند، چون یاد گرفتم که برای موفق شدن باید به دیگران کمک کنم تا اونها موفق و ثروتمند بشند.

جهان، جهان بازگشته! هرچی بکاری همون رو بهت تحویل میده

گندم از گندم بروید، جو ز جو

دوست خوبم فراموش نکن که خداوند جهان رو براساس قوانین خلق کرده و اداره می کنه. وقتی در مسیر زندگی، تمام اتفاقات پیش روت، اتفاقاتی مثبت باشند بدون که در مسیر اصلی زندگی قرار داری و به راهت با قدرت ادامه بده.

اولویت های مهم در زندگی

تا حالا براتون پیش اومده که دستتون زخمی بشه و خون بیاد؟ تو اون شرایط شما چکار کردید؟ خوب معلومه هر آدم عاقلی میدونه که باید جلوی خونریزی رو گرفت وگرنه باعث مرگ انسان میشه تو اون وضعیت سریع میرن پیش دکتر و جای زخم رو پانسمان می کنند.

حالا یک سؤال دیگه اگر یک نفر خونریزی داخلی داشته باشه و خودش خبر نداشته باشه چی؟ ممکنه که چه اتفاقی براش بیوفته؟ آیا اون آدم حاضره که بره پیش دکتر؟ به احتمال خیلی زیاد نه چون دردی رو احساس نمی کنه و چیزی رو نمی بینه!

آدمهایی که احساس نیاز می کنند اورژانسی به پزشک مراجعه می کنند. تا حالا شنیدید که کسی بگه

آخر ماه که حقوق گرفتم میرم دکتر و زخمم رو پانسمان می کنم؟ یا اینکه بگه الان که سرم خیلی شلوغه و فرصت ندارم ، هر وقت اوضاع روبراه تر شد میرم دکتر و زخمم رو پانسمان می کنم؟ خوب معلومه که نه! چون پانسمان کردن ضخم تو اولویت قرار داره.

متأسفانه خیلی از مردم هر ماه پولهای زیادی رو برای خریدهای غیر ضروری هزینه می کنند ولی وقتی نوبت "خوراک فکری" و "درمان بیماری های مالی" میشه یادشون می افته که پول ندارند! و اصلاً وقت ندارند و تازه خیلی هم سرشون شلوغه و فرصتی برای آموزش نیست!

اگر تصمیم داری که ثروتمند و پولدار بشی از امروز اولویت های زندگیت

رو تغییر بده تا شرایط مالیت هم تغییر پیدا کنه.

دوست خوبم! بهت توصیه می کنم که حتماً هر ماه بخشی از درآمدت رو برای خریدن کتاب و رفتن به کلاس و آموزش دیدن هزینه کنی. ازت میخوام که اولویت های زندگیت رو بر اساس حرکت در مسیر ثروت تغییر بدی و اولویت رو برای آموزش و یادگیری بگذاری.

یادت باشه که همیشه برای گردش و تفریح وقت هست ...

همیشه برای مهمونی رفتن وقت هست ...

همیشه برای لباس خریدن وقت هست ...

همیشه برای رستوران رفتن وقت هست ...

همیشه برای تلویزیون تماشا کردن وقت هست..

ولی شاید در آینده مثل الان وقتی برای آموزش نداشته باشید و شاید هم دیر شده باشه، پس همین امروز برای تغییر شرایط مالی زندگیتون اقدام کنید!

سخن آخر

در پایان براتون آرزوی موفقیت و ثروت می کنم؛ من نمیدونم که شما چند سال دارید یا اینکه در چه جایگاهی هستید یا مشغول چه کاری هستید. ولی مطمئنم که شما بنده خوب و دوست داشتنی خداوند هستید و مطمئنم که انسان مسئولیت پذیری هستید. شما باید برای داشتن درآمد و ثروت بیشتر تلاش کنید تا بتونید زندگی راحت تری داشته باشید و از زندگی تون لذت ببرید.

خدا رو هزاران مرتبه شکر می کنم که به عنوان یک معلم و مربی میتونم در کنار شما باشم. امیدوارم که با خوندن این کتاب شوق و اشتیاق لازم رو برای تلاش بیشتر و حرکت در مسیر موفقیت و ثروت بدست آورده باشید. و از خداوند بخواهید که به شما در این راه کمک بکنه و بتونید با موفقیت این قدم بزرگ و ارزشمند رو در زندگیتون بردارید.

منتظر نظرات و پیشنهادات ارزشمند شما در سایت WWW.MORTEZAELAHI.COM هستم. امیدوارم هر کجا هستید در پناه خالق مهربان شاد و پیروز باشید.

با آرزوی موفقیت و ثروت برای شما

دوستدار شما، مرتضی الهی

بسیاری از میلیاردر های امروز افرادی بوده اند که در گذشته وضعیت مالی خوبی نداشتند ولی خواستند و اراده کردند و در مسیر رسیدن به آرزوهایشان حرکت کردند.

**اگر در خانواده فقیری بدینا آمدی تقصیر
تو نیست ، اما اگر فقیر از دنیا بروی مقصر
خودت هستی.**

بیل گیتس